

میلاد گودرزی، سردبیر تلویزیون اینترنتی آوانت در گفت‌وگو با «فرهیختگان» مطرح کرد

صداوسیما؛ روابط عمومی حاکمیت یا تریبون نهضت؟

ادامه از صفحه یک

گودرزی در جمع‌بندی این محث درباره جانیابی مطلوب
صداوسیما در انقلاب اسلامی، گفت: من همه این مقدمه‌ها
را عرض کردم که بگویم اگر شما می‌خواهید صداوسیما را نقد
و بررسی کنید، اول باید ببینید نسبت نهادی مثل صداوسیما
با این تحلیل کجاست؟

از نظر من جامعایی مطلوب برای صداسیما جایی است که خودش را صداء منبع قدرت نهضت تعریف کند. یعنی بگوید که من بخشی از وضع موجود و بخشی از ماشینی که می خواهد روزمزی را ها دارا کند، نیستم. من یک منبع قدرتم، چون رسانده ای قدرت است. می خواهم از این قدرت برای پیش بردن جامعه به سمت آرمان ها و ایفا کردن نقش نظارتی استفاده کنم. صداسیما باید در اتوبوس نهضت بنشیند نه نظام. اما اتفاقی که الان افتاده است اینکه صداسیما، صداء منبع قدرت و تربیون نهضت نیست؛ صداسیما رابط عمومی نظام است. یعنی می گوید برای این نظامی که مدافع واضح وضع است، ناکارآمد است، دچار فساد است، برای این امر و این داغون ناکارآمد، من رابط عمومی ام.

مثلاً همه سازمان‌ها و کارخانه‌ها که روابط عمومی دارند، صداوسیما هم در جامنی کلان، به عنوان روابط عمومی نظام تعریف شده است. این حرف فراتر از نقد عملکرد صداوسیما و نقد مدیران و روسای صداوسیماست و در نتیجه انتظار تحول در این لایه، به تغییر روسای این سازمان، نیازمند رعیدی است. مگر اینکه رئیس جدیدی با ماهوریت تحول در این لایه منصوب شود. البته خیلی روشن نمی توان گفت که این جامنی به صورت ارادی و مشخص توسط یک فرد یا نهاد خاص صورت پذیرفته بلکه به نظر در طول دهه های گذشته به مرور مناسیتی رقم خورده که صداوسیما اینجامنی شده است که ما خرد دولت و مجلس و قوه قضائیه و وزارتخانه های داریم که می خواهند مسائل جامعه را اداره کنند، جاب صداوسیما تو هم بیا جزئی از اینها باش و روابط عمومی اینها شو.

من خودم به‌شخصه از جایگاه روابط عمومی در سازمان‌های خیریه بدم می‌آید و معتقدم این صورتی که امروز از روابط عمومی اجرا می‌شود یکی از سخت‌ترین و بدترین شغل‌های دنیاست. اینکه ما در سازمان‌ها واحدی داشته باشیم یا این ماموریت که برو تصویر ما را در بیرون از سازمان مثبت جلوه بدهد، در مقابل انتقادات بیرونی تاجایی که می‌توانی انکار کن و اگر از انکار گذر کردی تاجایی که می‌توانی توجیه کن. ما که خبرنگاریم یا روابط عمومی سازمان‌ها خیلی مواج‌شده هستیم. مثلاً یک انتقادی به فلان وزیر یا فلان مدیر روابط عمومی سازمان می‌خواهد بیاید ماله کز می‌کند. می‌خواهد عموماً نظر تو را عوض کند و از وضع موجود ناخوشایند خودش به هر نحوی که شده دفاع کند.

همین جانیایی برای صدوسیما ناظر به کل نظام اتفاق افتاد، یعنی هرجایی نارسایی و ناکارآمدی ای باشد، هرجا فساد و ظلمی اتفاق افتاده باشد، صدوسیما ماموریتش را این تعریف کرده است که آن نارسایی و نقص را بپوشاند، توجیه کند و ... این درواقع نوعی بلندگو بودن است. یعنی من صدوسیما خودم هدایت هیئت آرمایی و بیرونی و ناظرگونه ندارم. من یک بلندگوی هستم که هرچه به من بگویند من فقط منعکس می‌کنم. من از خود چیزی نیستم. این بلندگو بودن را در ساحت‌های مختلف صدوسیما می‌توانید ببینید. مثلاً به‌شدت سعی می‌شود صدوسیما کوچک‌ترین انحرافی از مواضع رسمی نظام نداشته باشد. یعنی همان مواضعی که حکومت یا نظام، بعضاً مشخصاً دولت‌ها، در اتفاقات مختلف اتخاذ می‌کنند و او به‌او صدوسیما همان را ابراز می‌کند. شما یک چیز متفاوت و انتقادی مطلقاً نمی‌بینید چون شما یک انتقاد جدی به ارکان نظام نمی‌بینید. یعنی خود یاد و موجودیت مواجهه نیستیم و هم‌شای یکی است و هم‌شای «نظام» است، انکار که خودش به خودش نمی‌تواند انتقاد کند.

تحلیل و خط‌مشی‌گذاری مستقل هم برای خودش نمی‌بیند. صداسیما مجموعه‌ای متشکل از متخصصان رسانه‌ای و علوم اجتماعی نیست که بنشینند و تحلیل کنند که مثلاً در موضوع انتخابات ۱۴۰۰، در آبان ۹۸ ما این دست‌فروم را می‌خواهیم برویم. اصلاً در مقام تحلیل نیستند، تحت‌تأثیر نهادهای بیرونی و تصمیم‌گیر و بعضاً متأسفانه نهادهای و تحلیل‌های امنیتی

۵ خبر

طرح ترافیک در نیمه دوم سال ت

محمدحسین حمیدی، رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی اجرای طرح ترافیک در تهران که تحت تأثیر شیوع کرونا «طرح ترافیک در کاهش آلودگی هوا و ارتقای انضباط ترافا» تغییر در این طرح تأثیر منفی بر شیوع کرونا نداشته به همان چرخه قبلی به اجرا طرح ترافیک افزایش یافته و به همان چرخه قبلی به نی توان با محدود کردن اجرای طرح ترافیک انضباط ترافا در سطح شهر حاکم کرد. البته تمامی ماموران ما از آماد آن از سیستم‌های کنترل هوشمند ترافیک نیز استفاده می شدن روزها، فعالیت برخی مراکز آموزشی، کاهش دما، ترافیک می شود. بنابراین با توجه به اینکه سلامت مردم صورتی که بازگشت طرح ترافیک به ساعات قبلی به پیشنهاد ما برگشت طرح ترافیک به حالت قبلی است.»



هستند. یعنی شورای عالی امنیت ملی تصمیم می‌گیرد که صدواسیمادر موضوع آبان ۹۸ چه رویکردی را اتخاذ کند. پادشاهی امنیتی بعضا تصمیم می‌گیرند مثلا در مورد بگرام انتخاباتی چه چیزی بگویند. همین انتخابات را نگاه کنید. نقش صدواسیمای چیست؟ صدواسیمای صرفا مجری است. یعنی می‌تواند تصمیم بگیرد و جمع‌بندی کند که من بنا براین امر که یک رویکرد انتقادی و سنگین نسبت به کانديداهاشته باشم تا عاير اينها را بسنجم. نه؟ دقيقا نقش صدواسیمادر انتخابات را در هيئت همان مجری‌ای که در منظره‌ها می‌گذارد می‌توانيد به شکل نمادين ببينيد. کسی که از داخل گلدان یک توبی درمی‌آورد و یک سری سوال از زو می‌خواند و می‌بخند می‌زند و تمام. کارکرد صدواسیمای همین است و آن چیزی که در اصل ۱۷۵ قانون اساسی آمده است که صدواسیمادر سکهول نامين ازادی بيان و نشر افکار و بحث‌های اينچنين مطرح می‌کند بسيار از وضع فعلي دور است.

پس اولین و مهم‌ترین آسیب‌شناسی را به‌رودی از وضع موجود و صداوسیما، «بلندگوی حاکمیت» یا همان «روابط عمومی نظام» بودن است. ذیل این رویکرد کلی یک ایراد دیگری که می‌شود به آن «گرفت این است که در لایه ساختاری، صداوسیما یک کل یکپارچه نیست، است.

در نهایت تا پایان این سازمان، از اخبار ساعت ۱۴ گرفته تا یک برنامه آشپزی در شبکه سلامت یا یک آیتم فرعی در شبکه ورزش، همه انگار یک کل یکپارچه هستند و گویی همه ملزمند تریبون نظام باشند. یعنی رئیس صداوسیما خودش را ملزم می‌داند تا زک‌تک برنامه دفاع کند و آن را موضع نظام بداند. درنتیجه برنامه‌سازها هم هیچ استقلال و قدرت تحلیل و تصمیم‌گیری‌ای ندارند، فقط باید منسج‌کننده و بازتاب‌دهنده موضع باشند و خوشان را ملزم به رعایت یک‌سری خطوط قرمز مبهم و عصب‌غریب بدانند. مطلقاً فضا این نیست که رئیس صداوسیما به‌گودیدن یک رسانه بزرگ که ده‌ها شبکه و صدها برنامه و صدها برنامه‌ساز دارم که به اینها قدرت تحلیل و اختیار در تصمیم‌گیری داده‌ام و فلان برنامه اگر چیزی گفت، تحلیل برنامه‌ساز بوده و من هم به‌عنوان رئیس صداوسیما شاید الزاماً به نظر و موضعی موافق نباشم و ما اینها را محدود نکرده‌ایم که فقط حرف‌ها را بزنند، ما چندان‌آند نخبره را آورده‌ایم و به آنجا برنامه‌داریم حرف بزنند، تحلیل‌ها را، اما اگر کسی در یک رسانه‌ای چیزی گفت، در دست‌انگشتی آزادی بیان و نشر افکار، از این اتفاق دفاع می‌کنیم.

لأن مطلقاً این نیست. شما گاهی می بینید در یک برنامه
تشنه‌تاز یک میهمانی، درست یا غلط، یک انتقاد به یک
مسئولی می کند، مجری عوض می شود، برنامه تعطیل
می شود، رئیس صدا و سیما رسماً درخواست می کند. یعنی
ما با یک «کل یچا که» مواجهیم. همه نظامند، از مجری شبکه
کودک تا رئیس شبکه خبر همه نماینده نظامند. چرا؟ چون

رسانه‌می‌خواهد و روابط عمومی نظام باشد. این ایراد ساختاری از یک سو نبودکننده خلاقیت و ایده‌پردازی و چابکی و در واقع کارآمدی برنامه‌سازها و شبکه‌ها و شما در واقع یک جور تبدیل کردن هنرمندان یا کارمندان است؛ چرا که نیاز نیست کسی از خلاقیت‌اش استفاده کند، صرفاً باید یک‌کسری کارهای واقعی انجام بدهد و آتش را زپ کند و طوری یک دوره‌ای در اختیار بدهد که فقط به کسی برنخورد. از سوی دیگر با این رویکرد، دست شما را برای میدان دادن به متکثرهای گفتگمانی و فراهم آوردن بستر آزادی بیان و دعوت از تن‌خگان با نگاه‌های متفاوت می‌بندد؛ چرا که هر یک در قالب تلویزیون دیده شود باید بخشی از کل یک پیکره باشد و نمی‌تواند خارج از مرزهای غیربغضی و صداوسیما یا همان روابط عمومی نظام حرفی بزند.

جمع‌بندی انتقاد به وضع موجود صداسوسیما این است که در لایحه کلان جایش را اشتباه تعریف کردند و ذیل این جانیابی اشتباه یک ایراد رویکردی و یک ایراد ساختاری شکل گرفته که اگر بخواهیم اینها را کنار هم قرار دهیم می‌توان به صداسوسیما بگوییم «یک پیکارچه بلندنگوی حاکمیت». از قرائن، از چیزی که خود شما می‌خواهید صداسوسیما چیزی هست که مردم هم ارزش می‌پندمد. یعنی با صداسوسیما خودش می‌خواهد بلندنگوی حاکمیت باشد، مردم هم دقیقاً همین حس را به او دارند. مردم وقتی اخبار تلویزیون را باز می‌کنند، می‌گویند بنشینیم ببینیم موضع نظام در فلان موضوع چیست؟ یعنی فضا این نیست که به عنوان رسانه بنشینیم ببینیم در دنیا چه خبر است. این یعنی چی؟ یعنی یک گارد و یک عینک پیش‌فرض برای مردم. حس‌شان این است که با یک ماشین پروپاگاندا روبه‌رو هستند نه با یک رسانه. مخاطب وقتی می‌خواهد یک سریال ببیند حتی یک برنامه سرگرمی هم ببیند با همین عینک می‌بیند. این یعنی شکست رسانه و این یعنی قهقار! از اینکه اصلاً نتوان شروع به حرف زدن بکنی باخته‌ای! می‌فهم اینها هم از تبعات همان جانیابی اشتباه است.

اصلاح خیرخواهانه برای صدوسیما در این لایه باید اتفاق بیفتد. اینکه مدیری عوض بشود، جوان‌ها بیایند سرکار، شبکه‌که‌ها کم و زیاد شود، همه اینها فرم و شکل موضوع است که خیلی تحولی را نمی‌تواند رقم بزند. ذیل این ایده هر آدم جوانی را هم که بیاورید، هر آدمی که توانمندتری را هم که بیاورید، حذف می‌شود یا کم‌ارند. درنتیجه اگر خود را خالص از صدوسیما حرف بزیم، باید در سطح «جامنایی» حرف در صدوسیما حرف بزیم، بعد که اصلاح جامنایی را پذیرفتیم، حالا بیاییم درباره الزاماتش صحبت کنیم. طبیعتاً در جامنایی جدید یا جایگاه‌ها (هنستی بودن صدوسیما) آدم‌های مناسب‌ها یا فضارادر دارند. اگر کسی که داریم، فضا را برای بروز خلاقیت‌ها و خودمحرک قرار دادن تخصصی ایده‌ها می‌کنیم و اینها می‌شود مولک انتخاب مدیران، نه حرف گوش کن بودن و گوش به زنگ بودن و گرد بودن و اهل تعامل به عنوان زده و بند بودن. «حیت» و

جامعه فهم‌پودن می‌شود مهم‌ترین ملاک‌های انتخاب مدیر الان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های لازم برای رئیس صداوسیما بودن این است که بتوانی با همه بسندی، تلفن همه را جواب بدهی، همه را راضی نگه‌داری. اما رئیس صداوسیما نهضت هیچ صمیمیت و خرده‌برتری و مسئولان نظام ندارد و اساسش خوشتر یا بالاتر از روستای قوا و روزگار و در واقع خود را در مقام ناظر بر رفتار آنها می‌داند.

الزام بعدی این است که بودجه صداسیماي نهضت این دولت باشد. اگر قائل به ناظر بودن صداسیما بر دولت باشیم، قاعدتا نباید دست ناظر زیرسنگ نظارت شونده باشد. حالا اینکه اصلاحش باید چه شکلی باشد، بحث دیگری است. بحث من این نیست که باید صد درصد درآمد از مستقل از بودجه عمومی باشد. یک بحث ساختاری و اداری ساده است. می‌کنم که صداسیما نباید بودجه اش را از دولتی که قرار است بر او نظارت کند، بگیرد، با این تحلیل نهضتی دیگری معنی نمی‌دهد که رئیس صداسیما پشت در هیات دولت دست به سینه بایستد، ببیند اجازه ورود به او می‌دهند یا خیر. شرایط باید طوری باشد که رئیس جمهور و وزیر و وکیل مملکت باید از رئیس صداسیما وقت بگیرند تا با او دیدار کنند. اما شما الان می‌بینید که یک برنامه‌ای در گوشه‌ای از تلویزیون یک انتقاد ملامی به یک وزیری وارد می‌کنند. جلسه بعد رئیس صداسیما را به هیات دولت راه نمی‌دهند. حقوق سه ماه کارمندان صداسیما را می‌بندند و اتفاقات عجیب و غریب دیگر.

الزام بعدی این است که سیاستگذاری رسانه در داخل خودان و توسط اهلی فن این حوزه انجام شود نه از سوی سیاستیون امنیتی‌های بیرونی. توداری درباره فرهنگ، جامعه و تولید انتقال پیام حرف می‌زنی، چرا باید یک آدم امنیتی که هیچ فهمی از این بحث‌ها ندارد، بیرون از صداوسیما، با ملاحظات و دغدغه‌ها و اولویت‌های خودش برای توی صداوسیما سیاستگذاری کند و توی آن بابلوی «لنگوی حاکمیت» که بالای سرت داری، بنشیند اینجا و به بدترین شکل از اجرا کنی و روزبه‌روز بیشتر باعث شکاف بین مردم و حاکمیت بشوی؟ الزام بعدی، ضرورت ورود به عرصه «تغییر واقعیت‌ها و «مساله‌محوری» است. وقتی توی صداوسیما رفتی در جایگاه «نهضت‌نشیستی، دیگر ضرورتی برای انکار واقعیت‌هایی بیینی دیگر توبعشی از وضع موجود نیستی که بخواهی مدام از خودت دفاع کنی، تو دیگر در مقام ناظر و منتقد نشسته‌ای؛ در نتیجه از انکار عبور کرده‌ای و به مرحله روایت می‌رسی. دیگر، نیاز نظام دردهای مردم، حاکماتی، مساله‌های آن نظام که تویبورش استفاده‌ای را انکار کنی، حالا شروع می‌کنی به روایت و بعد، حرکت به سمت تغییر واقعیت‌ها می‌گویی من با قدرتی که بایرون کشیدن خود از ورطه وضع موجود پیدا کردم و به پشتوانه مردمی که با من همراه شده‌اند

واکسیناسیون خانه به خانه اجرایی می شود؟

مان و آموزش پزشکی اظهار کرد: «امیدواریم ایران در واکنش‌های سریع و مناسب خود در برابر شیوع ویروس کرونا بتواند در دنیا در جایگاه بالایی بایستد و واکنش‌های سریع و مناسب خود را در برابر شیوع ویروس کرونا نشان دهد». وی افزود: «کشورهای پیشرفته‌ای مانند آمریکا و انگلیس در واکنش‌های سریع و مناسب خود در برابر شیوع ویروس کرونا، از برخی کشورها پیش افتاده‌اند و انتظار داریم با واکنش‌های سریع و مناسب و رعایت پروتکل‌ها و استانداردهای بین‌المللی، بتوانیم در واکنش‌های سریع و مناسب خود در برابر شیوع ویروس کرونا، از برخی کشورها پیش افتاده‌ایم». وی افزود: «کشورهای پیشرفته‌ای مانند آمریکا و انگلیس در واکنش‌های سریع و مناسب خود در برابر شیوع ویروس کرونا، از برخی کشورها پیش افتاده‌اند و انتظار داریم با واکنش‌های سریع و مناسب و رعایت پروتکل‌ها و استانداردهای بین‌المللی، بتوانیم در واکنش‌های سریع و مناسب خود در برابر شیوع ویروس کرونا، از برخی کشورها پیش افتاده‌ایم».

حالا می‌خواهم آن واقعیت‌هایی که به نفع مردم نیست را تغییر بدهم. حالا دیگر موضع من در آبان ۹۸ متفاوت می‌شود. در گرانی‌ها و مفاسد و ناکارآمدی‌ها حرف و رویکرد جدیدی خواهم داشت. ولی الان در پوزیشن روابط عمومی در حال انکار سیستماتیک.

رئیس قبلی صداوسیما، چند سال پیش مصاحبه‌ای کرد و به‌صورت علنی و با افتخار این موضوع انکار را مثال زد. می‌گفت یک مخاطراتی در سیستم بانکی وجود دارد اما رویکرد صداوسیما این است که در این خصوص صحبت نکند؛ چرا که موجب تخریب این سیستم می‌شود، درنتیجه با مراقبت‌های خودمان را بالا ببریم که درباره این موضوع چیزی نگوییم. ببینید یک چالش در حکمرانی وجود دارد و صداوسیما در مقام جایی که می‌تواند به‌نفع مردم، در مقام اصلاح آن چالش وارد شود، می‌گوید ما خیلی حواس ما را جمع کردیم که درباره این موضوع چیزی نگوییم. یعنی در مقام انکار و در مقام سکوت ظاهر می‌شود، چرا؟ چون جایگاه خودش را جایگاه انتقاد و بیرونی و اصلاحی تعریف نکرده است. همیشه برنامه نود فردوسی پور را در این زمینه به‌عنوان یک استثنای این سیستم می‌زنم. رویکرد برنامه نود نهضتی بود که مدافع وضع موجود فطرتاً کشور نبود، کارشناسان‌های آورد و به پشتوانه مخاطبان و طرفداران زیادی که داشت به‌دورها و تیم‌ها و مربیان و حتی خود مردم و تماشاگران گیر می‌داد و بعضاً اصلاح انجام می‌داد. جلوی بعضی تخلفات را می‌گرفت، جلوی بعضی ظلم‌هایی که به برخی تیم‌ها می‌شد را می‌گرفت و در حد خودش اصلاحات انجام می‌داد. اما این نهضت استثنای تلویزیون که البته همان هم تحمل نشد، درباره یک حوزه خاص و کمتر حاشیه مثل فوتبال بود؛ حال تصور کنید ما خود سیاسی و نود مفاسد اقتصادی داشته باشیم. ببینید تفاوت بزرگی هم در جذب مخاطب و هم در اصلاح مسائل کشور می‌تواند رقم بخورد.

با این رویکرد برنامه تلویزیونی و مجری شما هویت پیدا می کند. از نظر من در حالت نهضتی، یک برنامه تلویزیونی می تواند وزیر متخلف جابه جا کند. اما الان برعکس است همین وزیر اسبق بهیچا داشت چند تا برنامه تلویزیونی تعطیل کرد. انتقاد می کردند، فردا برنامه تعطیل می شد.

یکی از دوستان ما مجری یکی ایتیمی بود در یکی از شبکه‌های استانی. پیامک‌های ارسالی مردم را می‌خواند. می‌گفت در یکی از برنامه‌ها که یکی از مسئولان محلی میهمان برنامه بود، من بعد از خواندن پیامک‌های مردم و مطالباتشان، ران بودم. به‌دوربین گفتم خیلی منظمین از پیام‌هایی که آمده، آقای وفاتی، مسئولی که اینجا حاضر هستند آن‌ها الله (تمام‌قد) پاسخگو می‌دهند. مردم خواهند بود و به پرسش‌های شما جواب خواهند داد. بنده خدا می‌گفت من این جمله را گفتم، از جلسه بعد من را دیگر ران ندارند. گفتند یعنی چی مسئول تمام‌قد پاسخ‌گوست؟ منظوری چی بود؟ تو پیامک را بخوان. مسئول اگر خواست جواب می‌دهد اگر نخواست نمی‌دهد. کسی که باید آن مسئول حاضر در برنامه را به صلابه بکشد و آن مسئول باید تن و بدنش جلوی مجری شما پلرزد اگر بهش نگویی تمام‌قد پاسخگو خواهد بود بهش برمی‌خورد. و آقای عوض می‌شود.

این تغییر رویکردی، انقلابی است در صداوسیما و نه فقط صداوسیما، که در الگوی حکمرانی ما. اینکه توفاتل‌باشی که بخشی از نظام و ساختار هایت، وظیفه‌شان هشدار دادن به آینده است و نه توجیه وضع موجود، اتفاق بزرگی است. اصلاح صداوسیما عموماً شدن مدیرانش نیست، اصلاح صداوسیما کم و زیاد شدن عیبه‌ها نیست، حتی صرفاً بازتر شدن فضای آزادی بیان و اینها نیست. اینها اتفاق خوبی است که باید بیفتد اما اصلاح راهبردی صداوسیما، اصلاح جانمایی‌اش است. و به نظر می‌رسد که سطح تصمیم‌گیری‌ها این موضوع مهم، فراتر از صداوسیما و رئیسش است؛ مجموعه‌ای که وظیفه‌اش تصمیم‌سازی و نظارت بر صداوسیماست باید به این نقطه فکر کند و سطح صلاح را اینجا قرار دهد. و آن وقت پیشنهاد می‌شود تغییر کسی که می‌خواهد این مأموریت را قبول کند فرصت‌گیری رئیس صداوسیما فرصت مهمی برای چنین تحول و تغییر رویه‌ای است.

آغاز صدور کارت واکسن دیجیتال

بہ ۲ زبان فارسی و انگلیسی

مرکز مدیریت آمار و فناوری اطلاعات وزارت بهداشت از آغاز صدور کارت واکسن دیجیتال به زبان فارسی و انگلیسی برای همه ایرانیان خبر داد و اعلام کرد که تمامی افرادی که یک یا دو نوبت واکسن زده‌اند می‌توانند در سامانه alamat.gov.ir کارت واکسن دیجیتال فارسی خود را به رایگان دریافت کنند. برخی محدودیت‌ها در زمینه مسافرت، حضور در اماکن آموزشی و ورزشی و محدودیت‌های مشاغل و اصناف به‌زودی برای دارندگان کارت واکسن دیجیتال فارسی بر داشته خواهد شد. همچنین افرادی که مسافرت خارج از کشور دارند می‌توانند از طریق همین سامانه کارت واکسن دیجیتال انگلیسی خود را به رایگان دریافت کنند. بنابر اعلام کانال تلگرامی وبدا، دیجیتال ضرورت مشاهده هرگونه اشکال در تاریخ یک یا دو واکسن یا تکمیل یک یا دو نوبت واکسن، فرم گزارش خطا در کارت واکسن دیجیتال را تکمیل فرمایند.